

## چشم انداز دموکراسی و انتخابات آزاد در ایران



علی اصغر سلیمی  
تیر ماه 1386 / ژوئیه 2007  
a.salimi@web.de

### عوامل تعیین کننده گذار دموکراتیک و فرارونی به انتخابات آزاد

فوقا از عوامل تعیین کننده به اختصار سخن رفت و ترکیب معینی از این عوامل و علتها در گذارهای دموکراتیک را از ویژگی ها و از یگانگی های جوامع گوناگون برشمردیم. شناسائی و بررسی ترکیب عوامل تعیین کننده در گذارهای دموکراتیک از راه بررسی تاریخی تجربی و مشخص این عوامل در کشورمان می تواند ژرفتر گردد. در مسیر حرکت و با بررسی تطبیقی گوناگون و بر اثر عمل خلاقانه و تاثیرگذار نیروهای سیاسی در جنبش دموکراتیک (یعنی در حالت دینامیک و پویائی) امکان تکوین و تکامل طرحها و مدلها را گذار فراهم تر خواهد شد.

### گفتار ششم: عوامل ساختاری دراز مدت

درباره نقش عوامل ساختاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فرایندهای دموکراتیزاسیون و گذار دموکراتیک در کشورمان باید جوانب گوناگون و جهات مثبت و تاثیرگذار و جهات منفی و بازدارنده و جهات مکتوم و دوگانه و پارادوکس ها بلحاظ ظرفیت های بالقوه آینده مورد شناسائی قرار گیرند. بدیهی است که تدقیق و تکوین این بررسی و درهم آمیختگی و ترکیب انطباقی این گفتار با گفتار های نقش دولت و مردم و سازمانهای صنفی و سیاسی و نخبگان در گذار دموکراتیک میتواند به تبیین نظرات راهبردی و راهکارهای جنبش دموکراتیک کمک اساسی رساند.

### گفتار ششم - الف: جوانب مثبت ساختاری در فرآیند گذار دموکراتیک

- در ایران به لحاظ تاریخی چه قبل و چه پس از مشروطیت در روندهای تکامل تدریجی، امر پایان دادن به اشکال گوناگون استعمار و نفوذ بیگانگان بر کشور و ضرورت حاکمیت ملی و ملت و نیاز به آزادی و جامعه مدنی در افکار عمومی جا افتاده است. بعنوان عامل مثبت در فرآیند توسعه تاریخی و در راه گذار دموکراتیک میتوان شعور تجربی و تاریخی ملت ایران که در اشکال گفتمان دموکراسی تجلی دارد را بعنوان عامل ساختاری - فرهنگی مورد تائید قرار داد.

- در ایران بازار آزاد در طی چند دهه اخیر شکل یافته و مراحل گوناگونی را پشت سر گذارده است. در دوره هائی مثل دوره جنگ ایران و عراق بر اثر اقدامات دولتی کردن عمومی و سیاستهای اقتصادی دوران جنگ، روند گسترش بازار آزاد در بخشهای صنعت و خدمات و نظام بانکی در معرض پاشیدگی و تخریب واقع گردید، ولی علیرغم این روندهای دوره ای تکوین و رشدش متوقف نشده است.

- فنودالیسم و اشکال و فرماسیونهای پیشین اقتصادی و اجتماعی در ایران در دهه های قبل بمتابه ساخت غالب، برچیده شده اند و از این رو در جامعه ما زمینه ها و فرآیندهای دموکراسی از ساختارهای پیشادموکراسی رهائی یافته است.

- بخشهای گوناگونی از توسعه اقتصادی علیرغم تاثیرات منفی اقتصاد تک محصولی و رشد ناموزون و ناهماهنگ در صنعت و خدمات و تجارت در جامعه ایجاد شده و تکوین یافته اند. تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه در کشورمان در سطح نسبتاً بالاتری از کشورهای لاتین و اروپای شرقی، که به دموکراسی دست یافته اند، قرار دارد و از این دیدگاه معیارهای حداقلی رابطه دموکراسی و ثروت در کشورمان تحقق یافته اند.

- در نتیجه عوامل فوق و تأثیرات آنها بر ساختار اجتماعی و تغییرات و رشد و تکوین گروه‌های اجتماعی میتوان عواملی از قبیل رشد شهرنشینی (بالغ بر 65% جمعیت ایران) و کاهش جمعیت روستائی (طی سه دهه اخیر از 70% به 35%)، جوان بودن جمعیت (بیش از 36 میلیون) و گسترش طبقات متوسط شهری و کاهش نسبی اقشار سنتی میانی که از تبعات فنودالیسم و اشکال بدوی تر سرمایه داری (بخش بازار و تجاری) بوده است را می‌توان بعنوان شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی - اتنیک در جهت مثبت تأثیرگذاری ثبت کرد. (سالنامه آماری سال 1382)

- رشد و گسترش سطح آموزش و سوادآموزی در کل جامعه (حدود 90%) و بخصوص در بین زنان (حدود 70%)، رجوع شود به سالنامه آماری کشور در سال 1382) و گسترش آموزش در رده‌های دانشگاهی و تحصیلات عالی و رقم جمعیت دانشجویان و درصد زنان وارد شده به دانشگاه‌های کشور (حدود 66%) در دهه‌های اخیر بطور چشمگیری افزایش یافته است

- رشد و گسترش ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی در سطوح گوناگون بمثابة عوامل اجتماعی - فرهنگی موجب تسهیل فرآیند گذار دموکراتیک می‌گردد. در این رابطه باید به شاخص وجود صدها هزار ایرانیان مهاجر که در کشورهای اروپا، آمریکا و استرالیا سکنی گزیده‌اند و با میلیونها تن از هموطنان داخل کشور در ارتباط دائم هستند را نیز بعنوان بخشی از همبستگی ارتباطی موثر در روند دموکراسی قلمداد کرد

### **گفتار ششم - ب: عوامل منفی و بازدارنده ساختاری در فرایندهای گذار دموکراتیک**

نفت به عنوان ثروت بزرگ و سرشار ملی مان در دوره‌های متمادی و طولانی بیش از صد سال اخیر بطور غیر مستقیم به رشد عوامل مثبت و تدریجی تأثیرگذار روند توسعه اقتصادی یاری رسانده است. اما اقتصاد تک پایه ای نفت به عنوان ساختار غالب اقتصادی در خدمت دولتهای پیش و پس از انقلاب قرار گرفته، بمثابة مایملک گروه‌هایی از طبقه حاکمه و سرمایه داران رانت خوار نفتی و غیر مولد بشمار رفته است و بعنوان عامل منفی و بازدارنده ای در فرآیند دموکراسی محسوب میشود. رابطه دموکراسی و ثروت بعنوان یکی از معیارهای حداقل فرآیند دموکراسی قابل ارزیابی و شناسائی قرار گرفت ولی ثروت به خودی خود عامل قطعی در این فرآیند محسوب نمیشود. از 5 کشور تولید کننده نفت ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و لیبی برغم آنکه درآمد سرانه سه کشور آخر در سال 1976 بالای 4000 دلار بوده است و بخوبی در ردیف کشورهای ثروتمند قرار می‌گرفتند، اما هیچکدام از این سه کشور، حتی علیرغم بروز تحولات شدید سیاسی اجتماعی در ایران و عراق، به دموکراسی ارتقاء نیافتند" (رجوع شود به کتاب موج سوم دموکراسی اثر ساموئل هانتینگتون، ص 75). علت این است که توسعه اقتصادی گسترده که با صنعتی شدن قابل توجه همراه است به دموکراسی شدن مدد میرساند، اما ثروتی که از فروش نفت به دست می‌آید چنین حالتی را ندارد. درآمدهای نفتی عاید دولت میشود و در نتیجه بر قدرت بوروکراسی دولت می‌افزاید و نیاز آن را به گرفتن مالیات از بین میبرد و یا آنرا کاهش میدهد

- پایه‌های اقتصاد دولتی در زمان رژیم پیش ریخته شده و در سالهای پس از انقلاب 57 و بخصوص در دوران جنگ بر اثر فشارهای اقتصادی دوران جنگ گسترش یافت. با رهبری کاریزماتیک خمینی و ساختار حکومت وقت که در اختیار نیروهای مذهبی چپ و سنتی قرار داشت و تصفیه نیروهای ملی و طرفداران دکتر مصدق و کودتا علیه اولین رئیس جمهور ایران بنی صدر و ملی - مذهبی‌ها، اقتصاد دولتی رشد و گسترش و تمرکز بیشتری یافت و تأثیر بازدارنده ای در فرآیند دموکراسی در کشور گذاشت

- از آن جمله اند کاهش و ضعف و گسیختگی بورژوازی ملی در بخش صنعت و خدمات و کشاورزی مدرن در کشورمان، و رشد بیش از پیش بورژوازی تجاری و بخش ساختمان و شکل‌گیری گروه‌های سرمایه داری غیرمولد که از طریق رشد یافتن و نفوذ در بخش اقتصادی رانت خواری به کمک نفوذ در قدرت سیاسی و انحصار دولتی و انحصار اطلاعات رانتهی، ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور را از مسیر رشد سالم منحرف کردند و مقاومت در مقابل فرآیند دموکراسی را تشدید نمودند

- رژیم و این بخش دولتمردان یعنی بخش بورژوازی تجاری و جناح راست مذهبی و بخش رانت خوار سرمایه داری در سه دهه اخیر از طریق تقدم توزیع بر تولید، پرداخت یارانه‌ها (سوبسیدها)، رشد نامتوازن و ناهمگن بخشهای اقتصادی، کنترل نرخ بهره بانکی، کنترل قیمتها، گسترش تصدی‌های اقتصادی و وضع قوانین و لایحه‌ها و مقررات گوناگون، تحدید و تضعیف رقابت و مکانیسم اقتصاد آزاد و اخلال در ایجاد روندهای اشتغال و توزیع عادلانه کار و ثروت، تخریب نهادهای صنفی - مدنی (هویت دموکراتیک - مدنی)، ایجاد تشکلهای و جمعیت‌های کارگزار خودی (تاریکخانه‌های انحصاری اقتصادی از قبیل هیئت‌های مولفله) با

صف آرایی و تشدید اشرافیت مالی (اریستوکراسی) در جامعه در مقابل دموکراسی قد علم کردند و فرایندهای دموکراتیک را تخریب کردند.

در این رابطه و بویژه در سالهای اخیر موانع جدید ساختاری و حقوقی شکل یافته اند که میتوانند به فرایندهای گذار دموکراتیک آسیب برسانند و رشد و تکامل آنها بتاخیر بیندازند. وقتی که از دیرهنگامی و ناپیگیری اصلاحات و ضعف همبستگی در درون اصلاح طلبان، ضعف و عدم نضج و بلوغ گفتمان سیاسی دموکراتیک در بین این نیروها صحبت می‌آید و آثار تبعی و منفی این امر در روندهای حرکت جامعه و مردم مورد بررسی قرار می‌گیرد، همزمان و بموازات این روندها باید بازتولید ساختاری و جان سختی و مقاومت نیروهای محافظه کار و اصولگرا را نیز بررسیید. در جامعه ما اجزا و عناصر گفتمان جدید دموکراسی یعنی: جامعه مدنی، مردم سالاری، ضرورت پایان دادن به اقتدار فقه‌داری و سنتی، همپرسی و دموکراسی گفتگوئی، کثرت گرایی، نظام رقابت و مشارکت حزبی، نظام انتخاباتی جدید و دموکراتیک و نیز تساهل و تسامح هنوز به لحاظ اندیشه‌ای و نظری در بین بخش اصلاح طلبان حاکمیت قوام نیافته است. بدین لحاظ آنان نخواستند و نمی‌توانستند در حد ضرورت به پیشرفت این روندها در جامعه مدد برسانند. چهره‌های موثر این نیروها و شخص خاتمی در ظاهر اعتدال، مصلحت جوئی و پرهیز از خطر کردن را انتخاب کردند. در چنین شرایطی جامعه و مردم از سوئی شاهد ضعف فزاینده ایدئولوژی سنت گرا و ضعف همبستگی و تشتت در بین نیروهای اصول گرا و از سوئی دیگر، همانگونه که فوق ذکر شد، با ناتوانی و ناپیگیری و عدم بلوغ و ضعف نیروهای طرفدار گفتمان جامعه مدنی روبرو هستند. احزاب اپوزیسیون و سازمانهای مدنی نیز هنوز توانائی احراز نقش رهبری جامعه را نیافته اند.

ساختار سیاسی - حقوقی جامعه و آرایش قدرت (و نه حکومت که روند نظامی و پادگانگی کردن قدرت را به پیش میبرد) در حالت تعلیق قرار دارد. نیروهای اصلاح طلب و احزاب آنان در چنین شرایطی اگر هنوز رسالتی و صداقتی و اخلاق مسئولیت پذیری دارند، باید صراحتاً در جهت انتخابات آزاد و ایجاد نظام رقابت حزبی و گسترش هویت دموکراتیک جامعه، گسترش سازمانهای صنفی - مدنی، ائتلاف با احزاب جبهه ملی - مصدق‌ها، سوسیال دموکراتها، نیروهای دموکرات و مترقی اقوام ایران و نیروهای اصیل اپوزیسیون، بازکردن فضای سیاسی کشور و آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی، کوشش کنند که به همراه مردم و نیروهای اپوزیسیون از این موانع ساختاری - حقوقی و بن بست و انسداد سیاسی که موجب آنومی و ناهنجاری سیاسی و انفعال فزاینده میباشند بگذرند.

در نتیجه این روندهای تخریبی اقتصادی و حقوقی بر ساختار اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه نیز تأثیرات سوئی گذاشته شد که خود موجب گسیختگی اجتماعی و ستیز متقابل در بین گروههای اجتماعی و تشدید شکافهای طبقاتی - قومی - دینی شد. همچنین این روندها موجب رشد گسترش تجاوز مدنی، تشدید آسیب پذیری اجتماعی، کاهش تعاون و همیاری اجتماعی و گسترش روحیه انفعال در مقابل فرهنگ سازنده و سودمند گردیده اند.

### گفتار ششم - ج: عوامل ساختاری دوگانه و پارادوکسیال

جامعه شناسان و کارشناسان گذارهای دموکراتیک و انقلابات سیاسی اغلب عوامل گوناگون مثبت و منفی گذار دموکراتیک و یا ترکیب عوامل و علتها را مورد تشریح و شناسائی قرار میدهند. در جامعه ما اما بدلیل بغرنجی های گوناگون و وضعیت و روند طولانی دموکراتیزاسیون و غلبه ساختار اقتصادی تک محصولی نفتی و عوامل فرهنگی و دینی و مذهبی و وضعیت ژئوپلیتیکی و تأثیرات تاریخی عوامل بیرونی و دولتهای بیگانه در دهه های اخیر، امر شناخت دشوارتر و پیچیده تر میگردد. عوامل ساختاری که هنوز مورد شناسائی دقیق واقع نشده اند و تأثیرات دوگانه (مثبت و منفی) و پارادوکسیال بر فرآیند دموکراتیزاسیون دارند نیز باید مورد شناسائی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. نقد روشنگرانه و کارشناسانه باید از عهده این وظیفه دشوار برآید. تشخیص و تعیین جهت مندی قانونمند و تکاملی و یا حادثی و تصادفی عوامل ساختاری پارادوکسیال و یا مکتوم به ضریب هوشیاری ملی و قدرت کنش و واکنش سریعتر نخبگان و مردم، ضرورت ایجاد تشکلهای توانمند مدنی (به لحاظ انعطاف و انطباق) و ضرورت پیوندهای تنگاتنگ رهبران فکری و آگاهان با مردم (بفرض در شرایط ایجاد شوک نفتی) در شرایط حساس کمک اساسی خواهند رساند.

احکام کلی از این قبیل که ساختارهای اقتصادی - اجتماعی - حقوقی جزء عوامل درازمدت نیل به فرآیند دموکراسی هستند و یا ترکیب عوامل و علتها، فرایندهای دموکراسی در کشور ما را تعیین و تبیین می کنند - به تنهایی مشکل گشا نخواهند بود

باید از طریق شناخت و شناسایی دقیقتر اجزاء و عوامل، شاخص های آماری و داده های اقتصادی - اجتماعی و بررسی چگونگی حرکات و برآمدهای اجتماعی، سیاسی و جنبشها و اعتراضات صنفی - مدنی، در زنجیره ای از حوادث تاریخی - ملی - جهانی از روی بسیاری از اسرار و ویژگیهای مکتوم ساختاری پرده برداشت و بدین ترتیب به رشد عامل ذهنی در جنبش دموکراتیک و به گسترش جوانب گفتمان دموکراسی یاری رساند. برخی از عوامل ساختاری دوگانه (پارادوکسیال) را میتوان بقرار زیر دسته بندی کرد.

- برخی از کارشناسان و منتقدان رژیم امر "ساختار مکتوم" (میزگرد با غلامعباس توسلی، نشریه آفتاب، شماره 34 ص 46) جامعه را تشریح کرده و کوشیده اند تا اثرات پارادوکسیال (منفی و مثبت) آنرا روشن کنند. ساختار مکتوم جامعه از امکانات، گرایشها، مخازن انرژی خفته انسانی و زمینه های بالقوه خطرات احتمالی آتی و بسیاری از جهات مکتوم دیگر مملو است

- بر اثر کشمکشهای درون نظام جمهوری اسلامی و تشدید اختلافات بین دولتمردان، بین و درون جناحها، نظر به ساختار دولت و نقش بورژوازی غیر مولد و رانت خوار، امکان توزیع مجدد ثروت و تعویض و جایجائی نقشهای دولتمردان بسیار محتمل است. لازم به تذکر است که همه جناحهای رژیم از اصلاح طلب تا اصولگراها در تقسیم درآمدهای رانتی نفتی بمقیاس و اندازه های گوناگون سهیم اند. بررسی تاثیرات این نزاع و درگیری در جامعه و دولت میتواند جوانب و جهات مختلفی داشته باشد

- نظامی کردن هر چه بیشتر دولت و تفوق انحصار و تمرکز و تسلط حکومت فقیه - پاسدار بر ساختارهای اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جامعه میتواند تاثیرات پیچیده ای بر فرآیندهای گذار داشته باشد. در نقد روشنگرانه و سازماندهی افکار عمومی و گسترش و تکامل گفتمان دموکراسی باید این جهات مثبت و منفی بطور مداوم تحت نظر و مراقبت و کنکاش قرار بگیرند. در صورتیکه افکار عمومی و جنبشهای مدنی و خودانگیخته در مقابل این حکومت پادگانی و بسیجی ایستادگی و مقاومت لازم نشان ندهند، جامعه سالهای انفعال سختی را تجربه خواهد کرد

- تاثیرات فرآیند جهانی شدن بعنوان مجموعه ای از فرآیندهای گوناگون در حوزه های فن و تکنولوژی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بر دولت و جامعه ما تبعات گوناگونی دارد. رتوس کلی تاثیرات ساختاری را میتوان به شکل ذیل ترسیم کرد

- تاثیرات فرآیند جهانی و گسترش اقتصاد جهانی تواناییهای دولتهای ملی را در جهت کنترل و اداره امور داخلی کشور محدود میکنند. نهادهای جهانی از قبیل سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی با اعمال اقتدار در سطح بین المللی و به اتکا توسعه حقوق بین المللی محدودیتهای عدیده ای برای دولتهای ملی و آزادی عمل سنتی و ملی شان ایجاد کرده اند. سیاستگذاری داخلی، خودمختاری و استقلال عمل، تنوع شکل حکومت و مشروعیت سیاسی داخلی این دولتها عملاً تحت تاثیرات نهادهای بین المللی تغییر شکل داده و خواهند داد. در ایران نیز در دو دهه اخیر دولت کانون مباحث داغ در حوزه وظایف و سیاستهای داخلی و تعاملات و یا کشمکشهای بین المللی بوده است. تشویق سرمایه گذاری خارجی و اخذ وام جهت حل مشکلات اقتصادی و سیاست تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی برخی از شرکتها و منابع ملی، راه اندازی بورس تهران، اصلاح نظام ارزی در دوره حکومت رفسنجانی و حزب کارگزاران و همچنین دیدگاههای توسعه اقتصادی، تخصص گرایی و جذب نیروهای وفادار و نه صرفاً مکتبی و متعهد، طرح دیدگاه عصری کردن دین و طرح وکالت بجای ولایت فقیه (کرباسچی دبیر کل حزب کارگزاران، هفته نامه های بهمن، ارگان کارگزاران سازندگی) همه و همه از اقدامات دوره رفسنجانی محسوب میشوند. این فرآیند در درون دولت جمهوری اسلامی و جناحهای گوناگون تاثیرات معینی داشته و مخالفتهایی از جانب گروهها و افراد مختلف را برانگیخته است. این روندها تا به امروز نه تنها کاهش نیافته بلکه هر روز با تنشها و کشمکشهای جدیدی روبروست. نامه های 57 اقتصاد دان و اساتید دانشگاهها تیلور و تجلی جدیدی از سیاستها و اقدامات و تنشهای دولت جمهوری اسلامی است. تاثیرات پارادوکسیال این فرآیند در ماهها و سالهای آینده، ماهیت و جهت مندی بسیاری از پدیده های اقتصادی - اجتماعی را شکل خواهد داد

- در صف آرائی اقشار سنتی میانه و زحمتکشان شهر و روستا تغییرات مهمی در نتیجه این روندها رخ خواهد داد و بخشهای بیشتری از آن نیروها به صفوف اقشار متوسط مدرن شهری خواهند پیوست. ضمن آنکه در سالهای اخیر و تا بحیوجه انتخاب احمدی نژاد بورژوازی مدرن رانت خوار توانسته بود صاحبان سرمایه های مدرن و گروههایی از اقشار مدرن متوسط شهری را بخود جلب کند. این جایجائی ها در فرآیندهای شبه دموکراسی و یا اقتدار گرایی های مدرن از نوع رفسنجانی تاثیرات مهمی خواهند داشت

- در نتیجه تأثیرات فرآیندهای جهانی میلیونها جوان ایرانی با پدیده‌ها، مسائل، جنبه‌های زندگی و تولیدات متنوع دنیای مدرن هر روزه تماس و برخورد حاصل میکند و تحت تأثیر این فرهنگ جهانی - مدرن با مسائل هویتی جدید و در ابعاد دیگر نظر به ساختار سنتی دولت و حاکمیت با ناهنجاریهای متعددی مواجه میشوند. جوانان از زمره اولین قشرهایی هستند که کهنه بودن و فرتوت شدن گفتمان سنتی اپیدئولوژیک را لمس و حس کرده و عقاید و دیدگاهها و رفتارهای خود را در عدم التزام مذهبی، نقصان در باورهای مذهبی، کاهش علاقه به دروس دینی، تعارض میان ارزشهای نسل انقلابی و نسل جدید، کاهش احساس امنیت، گسترش احساس ناامنی، کاهش احساس همبستگی اجتماعی، افزایش احساس بی عدالتی اجتماعی و قانونی، کاهش احساس امید اجتماعی، کاهش در نرخ علاقه مندی سیاسی و غیره نشان میدهند. (حسین بشیریه، گذار به دموکراسی، ص 100)

تأثیرات فرآیند جهانی بر جوانان کشور ما میتواند در دو جهت مثبت و منفی قابل ارزیابی قرار گیرد. جهات منفی این پدیده در آسیبهای اجتماعی از قبیل اعتیاد، خودکشی‌ها، خشونت‌های مدنی و افزایش جرائم اجتماعی و انفعال و بی هویتی بررسی شده و در جهات مثبت آشنائی بسیاری از جوانان با پیشرفتهای فنی، تکنولوژیک، اینترنتی، فرهنگی و اشکال زندگی اجتماعی، دنیای جدید موسیقی و پیشرفتهای فلسفه و علم و پیشرفتهای معنوی انسان مدرن، مشارکت در زندگی اجتماعی، مقابله با سنتهای کهنه جامعه، مقابله با ساختارهای بازدارنده حقوقی، ایجاد سازمانهای صنفی - فرهنگی و باشگاههای گوناگون، ایجاد رسانه‌های اینترنتی با مضامین مختلف توصیف کرد. نوآوری و تلاش و تفلای بیش از دو سوم جمعیت جوان زیر 35 سال، چهره زندگی را در سالهای آینده در ایران تغییر خواهد داد.

- بررسی ساختارهای مکتوم جامعه را میتوان در باره زندگی زنان کشور و گروههای اجتماعی دیگر از قبیل گروههای قومی و مناطق محروم کشور که به هویتهای فرهنگی و قومی اقوام و اقلیتهای فرهنگی - دینی می انجامد نیز تعمیم و گسترش داد. بررسی جهات توسعه و حفظ یکپارچگی و بقای کشورمان مستلزم انکشاف و تدوین و تنظیم و برقراری نوع جدید و همه جانبه ای از دموکراسی در ابعاد ملی و قومی است. در این راستا اصلاح و بهبود رابطه‌های تنش آمیز بین اقلیتهای قومی - زبانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

- بررسی ساختارهای مکتوم جامعه مبین آن است که در ایران جهات کلی دیدگاه ساختارگرایی در جوامع در حال گذار باید با جهات این گفتار اجتماعی ترکیب گردد. وجود شکافهای تمدنی در جامعه امروز ایران (تمدنهای سه گانه: فرهنگ و تمدن ایران، دین اسلام و مذهب شیعه، فرهنگ و تمدن مدرن) بموجب رویکرد هر چه بیشتر مردم به تاریخ و فرهنگ ایران و جدائی و فاصله گیری آنان از سنت گرایان و بنیادگرایان و افشار اجتماعی پایگاه سنت شده است، و بالاخره حرکت ملی زنان ایران که حرکت فراطبقاتی محسوب میشود (در بخش دیگری مورد بررسی قرار میگیرد) و حرکت فراطبقاتی جوانان که فوقا بررسی شد چهره جامعه ما را در سالهای آینده دگرگون خواهد کرد. ساختار اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و حقوقی کشور تحت تأثیر این جوانب مکتوم بالقوه آستان تغییرات شدیدی است.